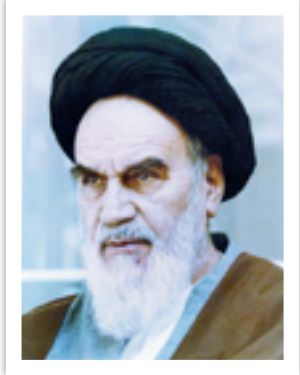




کلام امام



بحث با منحرفان

اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد و از طرح مکتب‌های دیگر که انحراف آنها در محیط خود آن مکتب‌ها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد. شما دانشجویان محترم! نباید با پیروان مکتب‌های دیگر با خشونت و شدت، رفتار و درگیری و بیاهو راه بیندازید. خود بسا آنان به بحث و گفت‌وگو برخیزید و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید یا آنان در بحث بنشینند، تا تپهی بودن دست آنان ثابت شود. و اگر آنان با جنجال و بیاهو و شما مواجه شدند، از آنان اعراض کنید و با خونسردی بگذرید که یکی از نقشه‌های آنها آن است که شما را به درگیری بکشند و از آن استفاده غیرمشروع کنند. ما با آزادی و منطق موافق، ولی اگر توطئه و خرابکاری باشد، تکلیف دیگری داریم.

۲۱ شهریور ۱۳۵۸

تربیین دانشجویی

مشکلات دانشگاه

شهید چمران اهواز در یک نگاه

■ **محمود بوبری***

تنها چند روزی بیش نیست که وزارت علوم با رای آوری دکتر فرهادی روی آرامش به خود گرفته در شرایطی که طی یک سال گذشته چندین سونامی به خود دیده بود و با توجه به همین مسئله، تحولات دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه‌های مادر هم بی تأثیر از این فضاها نبود، تأثیراتی که به خودی خود هرکدام می‌توانند عواقب جبران‌ناپذیری بسر روند حرکت پرشنان علمی دانشگاه‌ها بگذارد، روندی که چندی پیش رهبر معظم انقلاب با اشاره به این موضوع، خواهان سرعت بخشیدن به آن بود.

بدون شک دانشگاه شهید چمران اهواز یکی از دانشگاه‌هایی بود که تأثیرات زیادی از این نابسامانی‌ها هرج و مرج‌ها پذیرفت، دانشگاهی که از همان ابتدای سال تحصیلی تا آخری خود دو هفته‌ای ثابت کرد در روند تغییر و تحولات مدیریتی تاجه میزان متزلزل عمل کرده است. کم‌کم با شروع ترم جدید تحصیلی فضای ناشی از نا رضایتی‌های صنفی-رفاهی مباحث آموزشی دانشگاه را تحت تأثیر قرار داد.

همه این اتفاقات ناخوشایند را به قطعی مداوم اینترنت

اضافه کنید، اینترنتی که این روزها برای دانشجویان، حکم خون در بدن انسان و حکم نفت در صنعت را دارد و بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علمی از این طریق و به واسطه آن انجام می‌شود.

همچنین نبود امکانات مناسب و کافی در آزمایشگاه‌های علوم پایه حرکت علمی را تا حدودی با اختلال مواجه کرده است. همه آنچه‌تا به اینجا مطرح شد، نگاهی بود به مقوله آموزش با محوریت مسئله مدیریتی، اما آن چیزی که در فاز آموزش به استادان بر می‌گردد، به مراتب از ایرادات بیشتری برخوردار است، ایراداتی که نمی‌توان به سادگی از آنها چشمپوشی کرد. عدم به‌روزرآوری مقالات و جزواتی که در اختیار دانشجویان می‌گذارند و گاه دیده شده استادانی وجود دارند که به مدت ۲۰ سال یک جزوه ثابت را به عنوان منبع درسی خود معرفی می‌کنند درحالی‌که نسخه‌های به‌روز شده آن منبع از مدت‌ها قبل وارد فضای آموزشی شده و این خود سبب می‌شود کارایی استادان به ضیط‌صوت تشبیه شود که فاقد ارئه ناواری به دانشجویان هستند.

از طرفی دیگر، تمرکز کم شدید و مطلق دانشجویان بر جزوات درسی و یک منبع خاص به جای به‌کارگیری چندین منبع برای درس مربوطه و همچنین عدم داشتن رویکرد محققانه و تحقیق‌محورانه در فضاهای آموزشی ما، آینده فضای علمی دانشگاه را با اما و اگرهای بسیاری مواجه کرده است.

در نهایت امیدواریم مسئولان مربوطه با به‌کارگیری الگوهای صحیح آموزشی بتوانند گره‌گشای مسائل، معضلات و چالش‌های موجود کشور باشند، نه اینکه خود عامل ایجاد بحران و چالش در سطح جامعه شوند؛ چراکه با توجه به این اعتقاد که دانشگاه مبدأ تحولات است، باید مدنظر قرار گیرد که دانشگاه در عین اینکه می‌تواند سعادت بخش باشد می‌تواند عاملی باشد برای سقوط همسان جامعه. پس از مسئولان دانشگاه شهید چمران انتظار می‌رود با عنایت به این جمله رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) که فرموده‌اند اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود، در راستای رفع مشکلات موجود قدم بردارند.

■**دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز**

■ **تعلیل**

جعفر حسن خانی

ریشه‌شناسی اغتشاشات فکری در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی

دانشگاه، مولد انسان کدام تمدن؟



جهان معاصر، جهان بسط و هژمونیک شدن مدرنیته است. مدرنیته با مکانیسم‌هایی نظیر «جهانی‌سازی» مترصد است تا مجموعه ارزش‌هایی را در قالب «ارزش‌های جهانی» طی فرآیندی زمانی، حاکم بر مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان نماید. فرآیندی که طی آن قرار است خرده فرهنگ‌های ملل مختلف در تمدن جامعه جهانی مدرنیستی نئولیبرال دموکرات

انسان مدرن در خود جامعه ما پرورش یافت. انسانی که ایدئولوژی‌های اومانیستی را بر چسب علم، درونی کرده بود.

■ **برخوردهای متفاوت با فرهنگ فرنگ**
در اینجای پیش از ادامه بحث لازم به ذکر است البته باید دقت داشت که در اینجا منظور سازمان و فرم دانشگاه نیست بلکه دانشگاه به مثابه یک نهاد اجتماعی و یک محتوا مورد دقت قرار گرفته است. اشاعه دانشگاه به مثابه نهاد تمدن مدرن و همچنین به مثابه یک بسته کامل محتوایی، به جوامع غیر غربی و استقرار این نهاد در آن جوامع را می‌توان در راستای همان همسان‌سازی انسانی جهت هژمونیک شدن مدرنیته بر جهان دانست. تدریس و ترویج علوم خود بنیاد مدرن با خاستگاه اومانیستی و انسان محوری یا به تعبیر دقیق‌تر، «انسان خدانگاری» در دانشگاه‌های استقرار یافته در جوامع غیر غربی به مرور زمان انسان‌هایی را در تراز تمدن مدرن شکل می‌دهد و این انسان مدرن شده به مثابه محصول نهاد دانشگاه در بعد مکانی جامعه خود اقدام به شکل دادن سازگارها و مناسباتی می‌کند که هر چه بیشتر به تمدن مدرن نزدیک قرار داد.

■ **سوغات فرنگ**

این فرآیند در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی در

جامعه ما چون دیگر جوامع غیر غربی اتفاق افتاد. اولین ایرانیانی که تمناهای مدرنیستی داشتند در فرنگ به تحصیل پرداخته و بعد به ایران بازگشته بودند. در ادامه با شکل‌گیری دانشگاه‌های مدرن و حاکم شدن بسته‌های محتوایی آن در ساختار نظام آموزش، این فرآیند لذت‌برند. همین امر، ساختار شکنی و هنجار شکنی را نیز به دنبال دارد. همین هم هست که موضوعات حاشیه‌ای آنگاه که در دانشگاه رخ می‌دهند برای همه جذاب‌تر می‌شوند.

دانشجوها البته تنها در یک صورت می‌توانند رقم‌زیند این تحرکات باشند و آن اینکه تحت لوای یک تشکل فعال باشند. تشکل‌ها به طور کلی طبق حساسیت‌های مختلف و با رویکرد و اهداف متفاوت که عموماً دارای مابه‌ازاهای

کشوری و بیرون دانشگاه نیز هستند، شکل می‌گیرند. یعنی تقریباً تمام حساسیت‌ها و تحکرات تشکل‌های دانشجویی، در رسانه‌های هزار رنگ بیرون دانشگاه خریدارانی دارد که حاضر هستند آن تحرکات را از سطح یک دانشگاه مهجور، به یک اتفاق سیاسی،

رسانه‌هاست. تحرکات سیاسی و فرهنگی در دانشگاه‌ها، رخدادهای کلاس‌های درس، توفیقات علمی دانشجویان، وقایع آموزشی در دانشگاه‌ها، رخدادهای کلاس‌های درس، اتفاقاتی هستند که تقریباً هفته‌ای نیست که در دانشگاه‌های کشور ما خیرساز نباشند. اما در این میان، آنچه بیش از همه مورد توجه رسانه‌هاست، تحرکات سیاسی و فرهنگی در دانشگاه‌هاست. یعنی آنچه به‌ظاهر، اخبار ذاتی و اساسی دانشگاه به حساب نمی‌آید. این بیش از همه به این دلیل است که تحرکات سیاسی، فرهنگی و به‌طور کلی اتفاقات حاشیه‌ای دانشگاه، معمولاً در جامعه جنبه‌ای پیش‌رو و ساختار شکن دارند. دلیل این امر نیز این است که فاعلین این تحرکات، دانشجویان هستند. دانشجویان به‌طور کلی افرادی هستند جوان، دارای انرژی‌های اضافی و غیرقابل کنترل که قادرند از هر موضوع کوچکی و بزرگی «داستان» به راه بیندازند و چشم‌ها را به خود خیره کنند و از این خیره دیده

دانشگاه

بهبودخواهان به همراه نهاد دانشگاه که در آن علوم ایدئولوژیک غربی تدریس می‌شود و انسان مدرن را به عنوان محصول خود به جامعه تزریق می‌کند -انسانی که ارزش‌ها و خواسته‌هایش مدرنیستی است-بهبود خواهی را در ارزش‌های جهانی مدرنیته جست‌وجو می‌کنند، تعریف این قشر از توسعه تحقق ارزش‌های دنیای مدرن است و بهبود و پیشرفت نزد ایشان از این منظر قابل تعریف است. لذا خواسته‌هایی که از جمهوری اسلامی طلب می‌کنند، خواسته‌هایی در جهت تحقق ایدئولوژی‌های سکولاریستی غرب است. اما از آنجا که جمهوری اسلامی قصد تحقق این خواسته‌ها را هیچ‌گاه نداشته و علت وجودی‌اش نیز به این خاطر نبوده است، ما بین نظام سیاسی و نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی و نیروهای سکولار و مدرنیست تعارض به وجود می‌آید و مخالف خوانی‌ها در حوزه علوم انسانی علیه ارزش‌های انقلاب اسلامی آغاز می‌شود. در همین راستا در منازعات سیاسی آن دو جریان سکولار و روشنفکر که همچنان در فضای دانشگاه امکان زیست دارند، اقدام به بسیج دانشجویان در قبال نظام سیاسی می‌کنند.

۸۸ را می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد. در تأیید این مدعا به سخن سعید جعفریان از عناصر فکری ذخیل در فتنه ۸۸ اشاره می‌شود که در تحلیل چرایی به شکل‌گیری فتنه ۸۸ در متن دفاعیه خود در دادگاه بر علوم انسانی ایدئولوژیک غربی تأکید کرده و می‌گوید:«حجم وسیعی کتاب بعد از انقلاب به ترجمه شده که بسیاری از آنها جنبه ایدئولوژیک دارند و در کته آنها می‌توان رد پای مکاتب مختلف از مارکسیسم از تودکس تا نئولیبرالیسم را مشاهده کرد و این کتب (و باید اضافه کرد مجلات را) به وفور در دسترس مشتاقان است. علاوه بر این فارغ‌التحصیلان علوم انسانی به‌خصوص در دانشگاه‌های خارج که به عنوان اعضای هیئت علمی استخدام می‌شوند، ناخودآگاه حامل آخرین دستاوردهای این علوم به ایران هستند و هم اکنون می‌توان مشاهده کرد که دیدگاه‌های پست استوراکتوریسم، مارکسیسم، فمینیسم و انواع مکاتب غربی تحت عنوان علم ترویج می‌شوند.»

■ **فرجام سخن**

در شرایط امروز نهاد دانشگاه به دلیل آن محتوایی که در برخی رشته‌ها و سطوح علوم انسانی تحت عنوان علم اما به واقع ایدئولوژی‌های غربی بسط و بدون نقد به جامعه به ویژه دانشجویان تزریق می‌شود، عملاً در جهت عکس پروژه تحریکی دینی و تمدن‌زایی اسلامی حرکت می‌کند و این حرکت عکس گاهی اصطکاکاتی در سطوح فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... را ایجاد می‌نماید. لذا به نظر از جمله ضروری‌ترین اقدامات مورد نیاز برای حرکت در مسیر تمدن اسلامی را در سپهر خود جست‌وجو کنند. مراحل تحقق این تمدن اسلامی را می‌توان شامل: ۱- انقلاب اسلامی ۲- نظام اسلامی ۳- دولت اسلامی ۴- جامعه اسلامی ۵- تمدن اسلامی دانست. در طول ۲۵ سال گذشته نیز گام‌هایی برای تحقق آن صورت پذیرفته است. در شرایط حاضر احیایرآن دینی جایگاه خود را در این مراحل در میانه دولت‌سازی اسلامی و تحقق جامعه اسلامی تعریف می‌کنند.

■ **مقدمه‌ای برای یک اغتشاش**

اسا در این‌میان عناصر دو دسته دیگر

آیا همیشه اعمال با آثارشان متناسب هستند؟

رسانه‌ها و باز‌نمایی تحرکات دانشجویی

فرهنگی، صنفی، علمی، ادبی، هنری یا... مهم‌کشوری تبدیل‌کنند. اینها می‌تواند به ما اجازه دهد چنین قضاوت کنیم: تصویری که از دانشگاه‌ها، به وسیله رسانه‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، در واقع تصویری‌است که تشکل‌هاو حساسیت‌هایشان تولید‌کننده و پرورش‌دهنده آنان هستند. این‌ترتیب، یک دانشگاه را، چه بسا بیش از آنکه از رشته‌ها و استادان و افتخارات علمی و غیره‌اش بشناسند، از تحرکات و تاریخ سیاسی- فرهنگی‌اش و خاطراتی که دانشجویانش ساخته‌اند، می‌شناسند.

این عقیده بیشتر اثبات می‌شود وقتی بدانیم که قرابت نگاه‌ها و علایق تشکل‌های دانشجویی و فعالان سیاسی و فرهنگی دانشگاه، به نهادها و فعالان رسانه‌ای بسیار

بیشتر از قرابت استادان و فعالان علمی دانشگاه‌ها به آنهاست، و باز شدت می‌گیرد آنگاه که بدانیم، اصولاً بسیاری فعالان رسانه‌ای همان فعالان سیاسی و فرهنگی بیروز یا امروز دانشگاه‌ها هستند. این یعنی آنچه برای رسانه‌ها حساسیت‌برانگیز است، بیشتر تحرکات و حواشی سیاسی و فرهنگی تشکل‌های دانشجویی است تا مسائل دیگر. فعال‌تر باشند و اینکه کدام تشکل‌ها در دانشگاه همسویان خواهند بود و حالا دانشگاه به عنوان یک نهاد پیش‌رو و تعیین‌کننده در فضای فکری، فرهنگی و سیاسی کشور، مهم‌است که چه چهره‌ای داشته باشد. یعنی به یک معنا یکی از معیارهای تعیین‌کننده در فضای سیاسی و فرهنگی کشور، همان چهره سیاسی و فرهنگی دانشگاه است و در این نقطه است که می‌فهمیم، باز‌نمایی تحرکات و فعالیت‌های چند دانشجوی جوان پرشور ساختار شکن، توسط رسانه‌ها، چگونه در یک زنجیره کوتاه، برخی تحولات مهم یک کشور را جهت‌دهی می‌کند.

اینگونه‌است که همیشه هم، اندازه اعمال و فاعلیتشان، با اندازه آثارشان لزوماً یکسان و متناسب نیستند. حتی اگر این خودآگاهی در فاعلین آن اعمال وجود نداشته باشد و اراده آن آثار را نکرده باشند.

تیتزخبر

- دستیابی متخصصان ایرانی به بومی‌سازی دانش «سیمولاتور»
- وزیر علوم: باید از حاشیه‌ها پرهیز و فضای آرام در دانشگاه‌ها ایجاد کرد
- اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا: مطرح شدن بورس‌ها ظلم به اعتبار علمی کشور بود
- بودجه دانشگاه‌ها در سال ۹۴ سرانه‌ای می‌شود
- دعوت از رئیس‌جمهور و شهردار تهران در مراسم ۱۶آذر دانشگاه شریف
- معاون دانشگاه علمی‌کاربردی خبر داد: ایجاد رشته‌های شغل محور
- تأکید هاشمی‌رفسنجانی بر راه‌اندازی سریع واحد آکسفورد دانشگاه آزاد
- مسلمی نائینی در نامه‌ای خطاب به نجفی: کمیته وزارت علوم در بررسی بورسیه‌ها احکامی خلاف شرع صادر کرده است

زندگی دانشجویی

روز نوشت‌های رتبه ۵کنکور

- آنگونه که باید و لازم بود، عبادت حق تعالی را نکردم.
- در نیت خود دقت لازم را نکردم.
- از احوالات خود غافل بودم.
- تفکر کم داشتم.
- غفلت مرا گرفته بود.
- یاد مرگ خیلی کم بود.
- درگیری با نفس خیلی کم بود.
- نفس در مضیقه قرار نداشت.
- نماز ظهر را آنگونه که لازم بود، به جا نیاوردم.
- مدتی از وقتم بیپوده تلف شد.
- آنچه اطمینان نداشتم به زبان جاری کردم.
- چشم‌لخت خیلی حریص بر شهوت بودند.
- شهوت خیلی میدان داشت. تعذبالله تعالی من شرها.
- توسلات در حد لازم نبود.
- حضور قلب کم بود.

۱۶- نوعی ربای رموز در مسجد وجود داشت که دوست دارم دیگران مرا به بی‌خوابی بباشانند، لذا خود را خیلی متقی نشان می‌دهم؛ استغفرالله ربی و آئوب الیه.

۱۷- خودنمایی داشتمت و با لباس خود می‌خواستم خود را خیلی زیبا، خوش تیپ و همچنین در موردی هم عالم نشان دهم.

شهید مهران بلورچی ، دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۳

اخلاق دانشجویی

اگر دل مشغول شد

اول درس را اذیع می‌کنید

■ **حجت‌الاسلام علیرضا مستشاری**

دانشجویان فرصتی که الان در اختیار دارند قابل جبران نیست و باید قدر جوانی‌شان را در مسائل علمی بدانند؛ چراکه در سنین جوانی هر چه را که یاد بگیرند در ذهن آنها کار به درس خواندن ماند ولی اگر سن بالا رود برای حفظ یک مطلب باید چندین ماه زمان صرف کنند.

اولین نکته این است که تا جوان هستید تحصیل را غنیمت بشمارید، الان وقت نشاط

و جوانی است و در این زمان می‌توانید بهتر به علم آموزی بپردازید. پس این لحظه‌ها را قدر بدانید و موضوع مهم اینکه درس‌هایتان را با وضو بخوانید و با وضو بر سر کلاس حاضر شوید؛ چراکه این کار به درس خواندن‌تان کمک می‌دهد. حریف است جوانی‌تان را بگذارد و بگویند فلائی مهندس یا دکتر یا طلبه یا وکیل بی‌سواد است. دانشجویان باید خوب بدانند که مردم فرق بین دکتر باسواد و بی‌سواد و مهندس مسلط و غیرمسلط را خوب می‌دانند. پس در زمان تحصیل به علم آموزی توجه ویژه‌ای داشته باشند و به



دنبال کسب علم باشند.

نکته دوم اینکه یک چیزهایی هستند که شما را طول تحصیل به خودشان علاقه‌مند کرده و دل‌تان را مشغول می‌کنند. یادتان باشد هر چیزی که دل‌تان را مشغول کند، مانع درس خواندن شما خواهد شد. پس مراقب باشید که اگر دل‌تان مشغول و علاقه‌مند شود اولین چیزی که ذبح می‌کنید در ستان است.

نکته سوم اینکه برای درس برنامهریزی کنید و بسا رفیق بد و درس‌نخوان رابطه دوستی برقرار نکنید. کسی را در دانشگاه به خودتان دوست انتخاب کنید که وقتی با او هستید به فکر درس خواندن باشید نه اینکه به شما بگوید حالا درس را بالاخره پاس می‌کنیم؛ چه غیبت کنیم یا چه غیبت نکنیم فرقی نمی‌کند و معدل ۱۸ و ۱۴ با هم تفاوتی ندارد. بنده استادی داشتم که هر بار با ایشان داشتمت، بعد از کلاس یک کتاب جدید برای مطالعه می‌خریدیم و کتاب خواندن را به ما انتقال می‌داد، پس با آدمی باشید که شما را به مطالعه و کتاب خواندن تشویق کند، نه از بین بردن وقت. وقت بالاتر از طلاست آن را قدر بدانید.

و نکته آخر اینکه در یادگیری‌ها اولویت‌سنجی کنید تا به این طریق بتوانید براساس برنامهریزی و اولویت‌بندی‌ای که انجام داده‌اید بهتر درس بخوانید.